



روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران
 صاحب امتیاز و مدیر مسئول: مهدی رحمانیان
 نشانی: میدان آرژانتین، خیابان زاگرس، پلاک ۹، ساختمان شرق، طبقه همکف
 تلفن: ۸۸۶۴۳۹۱-۲ نماینده: ۸۸۸۸-۷۱۹ تلفن آگهی‌ها: ۸۸۶۵۵۵۷۵
 امور مشترکین: تلفن: ۸۸۸۱۴۳۳-۳۲
 توزیع: شرکت پیام‌رسان پیروز تلفن: ۵-۶۶۱۸۲۱۳۰
 چاپ: نشر روز پارس تلفن: ۴۴۵۴۵۰۷۶
 www.sharghnewsaper.ir

تهران: آذان ظهر ۱۲:۱۸ آذان مغرب ۱۸:۰۸ آذان صبح فردا ۵:۳۳ طلوع آفتاب ۶:۴۶

گالری

■ شرق: نمایشگاه گروهی منتخبان سه دور - جشنواره هنرهای تجسمی دامون‌فر با حضور بسیار پرشمار هنرمندان و دوستاندار هنر، عصر جمعه ۲۸ بهمن در نگارستان «آن» افتتاح شد. «سبکی» تم موضوعی این نمایشگاه است که با نمایشگاه گردانی «رزیتا شرف‌جهان» (یکی از ران دوره‌های پیشین جشنواره دامون‌فر) و با حضور ۱۵ برگزیده این جشنواره در سال‌های ۸۵، ۸۷ و ۸۹ برگزار شده است. در مراسم افتتاحیه این جشنواره، روزبه پیرام، قائم‌مقام جشنواره دامون‌فر، گفت: «نمایشگاه، زمینه‌ساز امروز برای نایل آمدن به آرامش و بازگویی درونیاتش است و از این منظر، «دامون‌فر» برای اشاعه هنر در سراسر ایران و در میان نسل جوان تلاش می‌کند». در ادامه این مراسم بهرنگ صمدزادگان هنرمند و منتقد هنری، در سخنانی حضور مستمر و هدفمند «سبکی» را در جامعه تجسمی ر استایس پرانگیز خواند و گفت: «بین جامعه هنری، جشنواره دامون‌فر به جشنواره فابر کاستلت معروف است اما امروز بدان گذشت تنها شش سال از حضور این رویداد، اقتدر به کیفیت و حرفه‌ای بودن شهرت یافته است که من آن را فراتر از جشنواره در حد یک بی‌پنل می‌بینم. نمایشگاه «سبکی» موبد این ادعاست. صمدزادگان افزود: در خشکسالی بی‌سابقه، عدم‌حضور همه نهادهای رسمی در جریان‌های هنری روز که میل به پیشرفت همگام با هنر معاصر جهان دارند حضور شرکت‌های خصوصی نظیر دامون‌فر یک غنیمت و فرصت بی نظیر است. در نمایشگاه «سبکی» که تا سوم اسفند در نگارستان «آن» پرپاست، آثار نقیسه عمران، لیلار رشیدی، مهدی بابایی، سافر دبیری، بهمن محمدی، سارا ابری، افشین چپتری، میلاد نعمتی، رحیم نیا، سعید مرصیه باقری، سیاوش تصاعدی، ندا نمداری، سینیا چوپانی، امید شکاری و محسن محمودی‌زاده به تماشا درآمده است. نگارستان «آن» در ونک، خیابان سنول، پلاک ۴۰ واقع است.

کارتون خواب

حسن کریمزادہ

www.karimzadehstudio.com



ی دیگر

خالق «بوف کور» ۱۱۰ ساله شد

هدایت؛ منتقد و مستقل



محمد بهارلو

خوانندگان نوشته‌های هدایت به طبقه یا قشر و دسته یا
خاصه محدود نمی‌شوند. حال آنکه خوانندگان بسیاری
نوفوذترین و نام‌آورترین نویسندگان و شاعران ما قطع
با استعداد و استطاعت اینها مجلدو هستند. هدایت در
های اخر حراشیت، به ویژه پس از مرگش، در اوج شهرت
در خاک ایران نفوذ فراوان داشت و این نفوذ تا به امروز
اکان ادامه یافته است، به طوری که هیچ‌کس با او برابری
نکند. هنوز نوشته‌های هدایت را انسلی جدید، با طابع
و فرهنگ، با علاقه می‌خوانند و این چیزی است که
هگون نویسنده دیگری در یک ده سال اخیر پیش نیامده
است. راز این نفوذ چیست؟ در فرهنگ و استعداد او است؟ در
ای مضامین و در نوآوری و استحکام متن و در کیفیت
و آرمیز و پرشور نوشته‌های او است؟ در نیش و کنایه‌ها و
سناهیایی است که به نریغ تلخ نامه از دوست و دشمن
و است و حتی خوشدل را هم بی‌نصیب نگذاشته است؟
یا مایل احتمالا و کمابیش در کیفیت نفوذ او تاثیر دارند و
یا مایل انکار نیستند.

اما به نظر من از اصلی نفوذ و جاذبه شخصیت هدایت در حسرت و مصیبت و در «جایگاه اعتراف» و روحیه انتقادی همان مضمون خویشتن‌آزاداندیشی - او است. قابلیت و ایما او در تشخیص جنبه‌های گویا و زنگی‌بخش امور و اندک نظر بکمر است. هدایت فیرحانه طبیعی و ممتاز و انتقاد کردن دارد، به‌ویژه می‌تواند جنبه‌های ناساز و ناجور گی را از منظر فردی و شخصی در کنار یکدیگر نشان بدهد. ست بیندازد و این استعداد را از همان جوانی از خود نشان دهد. اما کند مطلب این است که هدایت به حکم طبیعت غم می‌آید و منظر وضعی را از سر مصلحت به خود تبدیل می‌کند یا خود نمی‌بیند.

نزد هدایت اجبار این عین سر است و همواره زندگی خود را
لطف زمینهای می کند که در آن جلالاتی آزادی فردی
پوشیده داشته باشد. در طول چهار سال اقامت خود در بلژیک
سنه (۱۳۰۵ تا ۱۳۰۹) به هیچ یک از نظریات و مشربهای
و مکتبهای فکری غربی، که اعتقاد داشت
در زمان اقامت از انواع بی شمار
هواخواهان پرشور بسیار داشتند،
تنی نمی دهد، و اهل تسلیم و
رضانیت، بیش از هر چیز
بر آن است که اجتماع
نیروهای اخلاقی و عاطفی
و فکری و طبیعی خود را
آزاد کند و پرورش دهد، به
شرط آنکه هر آنچه باعث
لنگی و افت و تباهی
این نیروها می شود
از میان ببرد. شاید
بزرگترین تأثیری
که هدایت در

م تاریخ

آندره برتون، پیش از یک بار متولد شد



عباس پڑمان

در ۱۹ فوریه ۱۸۹۶ به دنیا آمده بود. اما وقتی که ۱۷ ساله شد و می‌خواست در دانشکده پزشکی ثبت‌نام کند، اولین بار روز تولدش را به جای ۱۹ فوریه ۱۸ فوریه ۱۸۰۰ قریباً به یاد داشت. او باقی گذشته و زندگی خود را آن‌قدر در سر خاطره بود که نتوانست به یاد بیاورد که در آن موقع شاعر، نویسنده، و هنرمند بود و مهم‌ترین مکتب ادبی و هنری آن دوران یعنی سوررئالیسم را رهبری می‌کرد. شعار اصلی آن مکتب و آرستیک در تمام مظاهر زندگی و آزادی تفکر از همه محدودیت‌ها و رتبه‌ها بود. روزی که از آن همه تعلقات آزاد می‌شد و به آرزوهایش می‌رسید، به آرزوهایش می‌رسید. دقیقاً همان بود که می‌توانست به آرزوهایش می‌رسید.

کتاب مشهور برتون، یعنی نادیا، با این سوال شروع شود: «کی هستم من؟»^{۱۴} او ۱۴ سالش بود که این سوال ذهنش سر بر آورد و برای یافتن جواب آن بود که به بهان عطا آغین» شارل فوریه و فلسفه روح هگل علاقه پیدا نادیا هم در واقع شرح جوابی است که او سرانجام برای

بی تعارف

از نگاهی دیگر



مینو مشیری

■ اطمینان دارم هیچکس، هیچ کجا و هیچ وقت این نوع نگاه را به چارلی چاپلین نداشته است. اطمینان دارم چنین نگاهی هرگز مکتوب نشده است. و نیازی نیست همه با ساراگرام همعقیده باشیم یا نباشیم؛ این نگاه خاص را به چارلی داشته باشیم یا نباشیم، اینها نیاز اما هست نظر دیگران را بخوانیم، حرفشان را بشنوم، سلیقه‌های متفاوت را بدلیتم تا دید شخصی و محدودمان ابعاد جدیدی پیدا کنند. آنقدر دنبال تایید نظرات شخصی‌مان نباشیم. چند بار بگویم: «آنچه در پی می‌آید برگرفته از ناشیونوت»^۱ روزه ساراگرام را ترجمه منست (ص: ۲۳۴). جالب است، خوانید:

«یکی از شب‌های اخیر، مقابل تلویزیون، به تماشای چند فیلم قدیمی چاپلین نشستم. دو یا سه قسمت از فیلمی طولانی به نام «ژانز» را که در سنگراهای جنگ جهانی اول می‌گشت نشان دادند، که تکرار یکی از مضمون‌های مهم نشان است: چاپلین بی‌گناهی که پلیس دنبالش است. در حقیقت یک لیخنده هم‌زدم از خودم تعجب کردم؛ گویی از عهده‌ی شرافتمندانه‌ی عدول کرده باشم، با تمام توان کوششیدم به داده‌ای که پس از گذشت ۸۰ سال امکان داشته باشد، چقدر هرزه‌رو کرکر وقتی شش هفت سال داشتم و به یکی از دو سیمای لیسبون می‌رفتم، چارلی در من ایجاد کرده بود. چیز زیادی به خاطر نیاوردم...! مثل خود شفیقتی‌ام که نه خانه و نه عقایدش را هرگز تغییر نمی‌دهد به نگاه‌به این نتیجه رسیدم چاپلین نهایتاً هنرمند هم‌هی نیست، هنرمند ترازوی نیست. نگاه کنید چقدر همه چیز در فیلم‌هایش همگین، همه چیز افسرده‌کننده است. حتی ماسک خاص چاپلین، کاملاً سیاه و سفید، با پوستی از گچ پاریسی، ابروان و سبیل مشکی، چشم‌ها چون دو کلاه قبر، ماسکی است که هیچ بیجا نمود اگر کنار کلاسیک‌ترین هنرپیشگان تاریخ قرار می‌گیرد! این‌ها به من بیشتر، لیخنده چاپلین خوشحالی نیست. کاملاً برعکس. با علم به اینکه خطر می‌کنم، حتی تا آنجا می‌روم که بگویم آنچنان نازاحت‌کننده است که روی چهره در آن‌ها پتشر می‌نستد. اگر زن بودم، و اگر مردی این‌چنین لیخنده به من می‌زد فرار می‌کردم. آن دهن‌پیش زبانی بزرگ و زیادی مرتب و سفید، ترسان‌کند. لب‌های سفت و سخت و آونداری دهن کجی می‌کنند. از پیش می‌دانم کمتر کسی در این باره با من موافق است. قضیه اینست: وقتی یار در سر مردم فرو رفت که چاپلین یک هنرپیشه‌ی کم‌دست است، دیگر کسی واقعاً به چهره‌اش نگاه کرد. دوساره فکر کنید و به آنچه به شما می‌گویم توجه کنید. بدون پیش‌دانی به چهره‌اش بنگرید و به اجزای صورتش دقیق شوید، یکی یکی، و لفظهای رقص انگشتان را فراموش کنید، بعد به من بگویید چه می‌بینید. چاپلین اگر می‌توانست، تمام فیلم‌هایش را به ترازوی بدل می‌کرد.»

فکر نمی‌کنم نظر آقای ساراماگو قابل تأمل است؟

رویداد

تابلوی «ون گوگ»

در حراجی هند زیر قیمت فروخته شد

■ ایستاد با شکست حراجی آثار هنری غوب در هند، تابلوی نقاشی «ن گوک» زیر قیمت پیش‌بینی شده به فروش رفت. اولین حراجی آثار هنری غربی در هند با آرایه آثاری از «سالوادور دالی»، «پیکاسو»، «ماتیس» و «پیسارو» و «ن گوک» با استقبال بسیار ضعیفی مواجه شد و تنها نیمی از آثار ارایه‌شده فروخته شدند. تابلوی «مسیری با دو عابر» اثر ن گوک که پیش‌بینی می‌شد در حراجی آنالین «سلفورن» رتبه بین ۸۰۰ هزار تا یک میلیون دلار به فروش برسد، به قیمت ۶۹۷ هزار دلار خریداری شد. این استاد سرشناس هلندی این منظره را در سال ۱۸۸۵ در روستای «مبون» به تصویر کشید. به گزارش بلومبرگ در این حراجی شاهکارهایی از پابلو پیکاسو، کامیل پیسارو، سالوادور دالی و هنری ماتیس در معرض فروش قرار گرفتند که ارزش فروش کلی این حراجی در هند کی ۳ میلیون و ۴۰۰ هزار دلار بوده است. پیش‌بینی می‌شد این آثار هنری به قیمت سه میلیون و ۳۰۰ تا چهار میلیون و ۲۰۰ هزار دلار به فروش برسند اما فروش کلی این آثار ۶۶ درصد پایین‌تر از مبلغ پیش‌بینی شده بود و از ۷۳ تا ارایه شده، ۴۱ اثر خریداری نداشتند. با این حال سه اثر هنری از «سالوادور دالی» چکش حراج خوردند و دو اثر به قیمتی بالاتر از قیمت تخمین‌ده شده، خریداری شدند.

خرید عیدتان را با
بلیط ایرآسیا شروع کنید!
آغاز فروش بلیط‌های نوروزی



غمہ میں تواتند پرواز کنند

[illegible]

خبرگزاری فارس، ۲۲ شهریورماه ۱۳۹۸